

## بیرلسکونی کیست؟ آیا وی نخستین

### قربانی داخلی سرمایه گلوبال نیست!؟



سلویو بیرلسکونی بتاريخ ۲۹ دسامبر سال ۱۹۳۶ دریک خانواده روشنفکر در میلان ایتالیا دیده بجهان گشود. پدرش کار مند بانک راسینی ایتالیابود. بعد از به پایان رسانیدن دوره بکلوریا شامل یونیورستی میلان شد و در آنجا به تحصیل در رشته حقوق پرداخت و آنرا مؤفقا نه با تقدیر جایزه نقدی دوملیون لیره ایتالیایی در سال ۱۹۶۱ به پایان رسانید. ناگفته نباید گذاشت که موصوف در جریان تحصیل غرض بدست آوردن مخارج خویش به صفت فروشنده جاروب برقی، آوازخوان در کلیهای شبانه و کشتیهای مسافربری بزرگ مصروفیت داشته است.

مصروفیتهای کاری وی در پهلوی آنکه از سال ۱۹۹۴ به سیاست فعال رو آورد همانا در قدم اول خرید و فروش جایدادهای غیر منقول، امور ساختمانی، بیمه در عرصه های مختلف، باشگاه سپورتی ای سی میلان و امور مطبوعات و تلویزیون بوده است.

بیرلسکونی دوبار ازدواج نموده است که ازدواج اولی از سال ۱۹۶۵ در سال ۱۹۸۵ به طلاق انجامید. ثمره این ازدواجش دو طفل است. ازدواج دومی که با یک هنر پیشه در سال ۱۹۹۰ صورت پذیرفت و آنهم در سال ۲۰۰۹ به درخواست طلاق انجامیده و ثمره این ازدواج سه طفل است.

بیرلسکونی که از ۸ مارچ ۲۰۰۸ بدینسویه صفت نخست وزیر ایتالیا ایفای وظیفه میکند، از جمله سیاستمداران و سرمایه داران بزرگ ایتالیا بشمار میرود و رقم مجموعی سرمایه اش به ۹،۴ میلیارد دالر امریکایی تخمین میشود. موصوف در دوره های تقنینی ۱۲، ۱۴ و ۱۶ نخست وزیر ایتالیا

بوده و در پست‌های وزیر صحت، وزیر اقتصاد و وزیر خارجه نیز ایفای وظیفه نموده است. بیرلسکونی دوست نزدیک بیتینو کراکسکی نخست وزیر وقت و رئیس حزب سوسیالیست ایتالیا بود که در زمان وی با هجومی که بالای کانسرن اطلاعاتی وی وارد آمد، خود را در موقفی دریافت که هرچه زودتر در عرصه سیاسی فعال گردد تا بتواند از فروپاشی کانسرن خود جلوگیری کند.

بیرلسکونی با ورود دقیقی که در سیاست ایتالیا و تطمیع نظریات مردم داشت در ماه اخیر سال ۱۹۹۳ وارد صحنه سیاست شده و حزب فورسا ایتالیا را تأسیس نمود. در ماه جنوری ۱۹۹۴ با شعار "خطر کمونیستی" کمپاین انتخاباتی را آغاز نهاد و وارد صحنه سیاست در ایتالیا گردید. دوماه بعد با تدویر انتخابات بتاريخ ۲۶ جنوری ۱۹۹۴ حزب موصوف که شامل "ائتلاف دست راستی میانه گرا" بود، برنده شد و بیرلسکونی با شرکت "لیگ شمال" و "اتحاد ملی" به تشکیل حکومت مؤظف گردید. اندکی بعد لیگ شمال، این ائتلاف را بنابر خود کامگیهای بیرلسکونی ترک گفت و از آنجائیکه اکثریت در پارلمان از دست رفت، انتخابات جدید اعلام گردید. موصوف درین انتخابات (۱۹۹۶) برنده نشد و در سمت رئیس فراکسیون پارلمانی حزبش بکار سیاسی ادامه داد. موصوف در سالهای ۲۰۰۱ و ۲۰۰۶ با حزب فورسا ایتالیا در انتخابات شرکت کرد و برنده هم شد.

در انتخابات سال ۲۰۰۸ بیرلسکونی حزب فورسا ایتالیا را که مورد انتقاد و سؤظن مردم قرار گرفته بود، باز سازی نموده و به آن نام "حزب رهایی مردم" را گذاشت و با نفوذ بزرگی که داشت در انتخابات برنده گردید و تا امروز در مقام نخست وزیری ایتالیا انجام وظیفه میدهد. باید تذکر داد که بیرلسکونی در ابتداً رئیس حزب فورسا ایتالیا بود و از سال ۲۰۰۹ ریاست حزب رهایی مردم را عهده دار شد.

وی که نمیخواست در عرصه سیاست پا گذارد، با وجود همه تلاش هایش اکنون دیگر نمیتواند همچو دوران سرمایه امپریالیستی به حیات سیاسی اش ادامه دهد. آنچه به وی نسبت داده میشود، موردی است که در میان رهبران کشورهای سیستم سرمایرداری کدام تازه گی خاصی ندارد. بلکه کلینتون هم کسی بود که با دختر کارآموزی (مونیکا لیونسکی) روابط خارج از چهارچوبه زناشوهری داشت. سرکوزی عاشق یکی از مودلهای جوان فرانسه شد و..... ولی اگر از واقعیت چشم پوشی نکنیم برمیگردیم به آنچه من چندین ماه قبل در زمینه "گلوبالیزم و ناسیونالیزم" خدمت دوستان عزیزم در چند سطری ارائه نموده بودم.

گلوبالیزم همین اکنون از طریق برخورد های نیولیبرال ونیو فاشیستی کوشش میکند تا درهریک از کشور های "بیگانه" نفوذ کرده، به غارت وچپاول ثروتهای طبیعی آنان پرداخته ودرین سرزمینها سیادت فرهنگی خودی شانرا درجایگاه فرهنگ عنعنوی مردم قرار دهند. درین راستا رقابتهای شدیدی میان هریک از کشور های غول سرمایه در مورد تقسیم غنایم ورهزنی های اقتصادی وجود دارد. برای آنکه هریک از کشور ها حداظم استفاده از دستبردها را کرده باشند درکوشش آنند تا یکی ازجوانب ذیدخل را به شکلی از اشکال یا مورد تهدید قرار دهند ویا اینکه از صحنه سیاسی خارج ساخته وهمقطاران نزدیکخیال خودرابجایش نصب کنند. اینباراز دیدگاه نخست نزدیک بودنهای ممکن بزمی بیرلسکونی باعده یی ازدیکتاتورها یا سیاستمداران قبلی شمال افریقا باعث شده باشد که موصوف ازین کشورها دفاع نماید وکسانیرا که دیروز دوست میگفت بعداز گذشت ۲۴ ساعت دفعتهاً دشمن خطاب نکند. ودوم اینکه علایق اقتصادی ووابستگیهای این کشورها به ایتالیا درعرصه های مالی وصنعتی درآن موضعی قرارداد که سائر کشورهای ناتو وبه خصوص ایالات متحده امریکا نتواند ازآن بهره کشی مشخص نمایند وممکن هم بیرلسکونی از خط ناتودر وجود حزب جدیدش که ازجمله محافظه کارترین احزاب ایتالیا بعدازطرفداران موسولینی درین کشوربحساب میآید، عدول کرده وبه گونه ثروتمندان شمال افریقا منفور گردیده باشد.